



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد
رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی السماوی

استاد راهنما:

دکتر عبد الاحد غیبی

استاد مشاور:

دکتر سید رضا موسوی

پژوهشگر:

لیلا جباری گیلانده

آبان 1390

تبریز / ایران

تقدیم به معلمانم؛
در گذشته، حال و آینده

از پدر و مادرم که نخستین
آموزگاران توحیدم بودند،

تا آن که با این نوا در خاکم می-
نهد.

يا من اذاق احبّاءه حلاوه
المؤانسه فقاموا بين يديه
متملقين، ويا من البس اولياءه
ملايس الهيئته فقاموا بين يديه
مستغفرين، انت الذاكر قبل
الذاكرين، و انت بادئ
بالاحسان قبل توجه العابدين،
و انت الجواد بالعطاء قبل طلب
الطالبين...

دعای عرفه

حمد و نعت و سپاس

در آغاز، حمد و سپاس بیکران پروردگاری راست، که رحمان است و رحیم، خالق رازق است و معطی منان، شارع قاسم است و منتقم غفار. هر آن چه نیکی است از آن اوست و از هر زشتی و پلیدی به دور. در شکر او زبانها قاصر و حکمش بر همگان واجب. آن گاه، سلام و درود بر انبیاء و اولیاء خداوند که واسطه‌ی فیضان و تکمیل کننده‌ی نعمت، در صدر ایشان، خاتم آنهاست، سرور کائنات، نیکوی برگزیده حضرت محمد مصطفی (ص) و در پی او سلام باد سلاله‌ی پاکش را از نسل وصی والا، علی مرتضی (ع) و نور فاضل حق و باطل، فاطمه‌ی زهراء (س)، آن یازده نور پاک که سبب اتصال آسمان و زمیناند، آنان که چه در صلح باشند، چه در جنگ، چه در دعا و سجود، چه در شکافتن علم، چه صادق باشند و چه کاظم، چه راضی به حکم حق و چه جواد در خلق، چه هادی باشند و چه اسیر در لشگر، همه نوری واحدند و نمایانگران راه حق، هر چند چون خورشیدی پنهان از پشت ابر نور افشانی کنند. امیدوار هدایتشان در دنیا و شفاعتشان در آخرت هستیم؛ بعون الله و کرمه...

اما بعد، بر خود فرض میدانم از الطاف و زحمات حضرات اساتید گرانقدر و سروران ارجمند؛ جناب دکتر عبدالاحد غیبی که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته اند و در امر پژوهش و نگارش این پایان نامه، این بندهی حقیر را یاریگر بودند و جناب دکتر سید رضا موسوی به عنوان مشاور پایان نامه، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم؛ توفیقات روزافزونشان را از یگانه دادار پاک خواستارم، باشد که در پناه الطاف خفیهی ذات باری و توسلات اولیائش همیشه پیروز و سر بلند باشند. همچنین از زحمات تمام معلمان و اساتیدم تشکر و قدر دانی می کنم. همچنین یادآور این نکته میگردم که هر آن چه در این پژوهش موجب روشنگری و پیشبرد اهداف آن بوده، در درجهی اول در سایهی عنایات خداوند و اولیاء او و در درجهی دوم از زحمات و کمکهای این عزیزان ناشی گردیده و کاستیهایی که به چشم میخورد از قصور این بندهی ناچیز است که امید است به لطف خداوند در سایهی محاسن آن مغموض گردد.

آبان ماه هزار و سیصد و نود.

لیلا جباری

فهرست مطالب

عنوان.....	
صفحه.....	
چکیده.....	
یک.....	
مقدمه.....	
1-3.....	
فصل اول	:
کلیات.....	

	تاریخ قدیم
-7	عراق
	5
	حزب بعث و
7-9.....	عراق
	عراق در گذر از تیغ
9-11.....	استعمار
	جنگ های خلیج
11-12.....	فارس
	جنگ عراق علیه ایران(جنگ اول خلیج
12-13.....	فارس)
	اهداف و انگیزه های آغاز جنگ اول خلیج
13-14.....	فارس
	حمله ی عراق به کویت(جنگ دوم خلیج
15-16.....	فارس)
	عملیات آمریکا و متحدینش علیه
16-18.....	عراق
	حمله ی آمریکا به عراق (جنگ سوم خلیج
20-18.....	فارس)
	دلایل حمله ی آمریکا به
20-27.....	عراق
	فصل دوم : شعر مقاومت عراق در قرن
	بیستم
	ادبیات معاصر در
29-31.....	عراق
	ادبیات
	مقاومت
	31-36

شعر مقاومت عراق در قرن

61-36.....	بیستم.....
	فصل سوم : یحیی سماوی و شعر
	مقاومت.....
	زندگی یحیی
63-65.....	سماوی.....
	ویژگی شعری یحیی
65-66.....	السماوی.....
	مفاهیم مقاومت در شعر یحیی
66.....	السماوی.....
	آمریکایی
-81.....	ستیزی.....
	66
	انتقاد از اوضاع جامعه
82-94.....	عراق.....
	انتقاد از سازش اعراب با
95-110.....	بیگانگان.....
	دعوت به
-118.....	بیداری.....
	110
	دعوت به وحدت و
118-127.....	قیام.....
	کاربرد آیات قرآنی در اشعار
127-143.....	مقاومت.....
	نتیجه.....
	144.....

چکیده:

ادبیات و جامعه رابطه ای دو سویه دارند؛ همانگونه که مسائل اجتماعی دست مایه ی آفرینش آثار ادبی می گردد، گاه آثار ادبی موجب تغییر و دگرگونی جامعه می شوند، در این راستا ادبیات از دیر باز تاکنون همچون سلاحی در خدمت دفاع از اشخاص، قبایل، شهرها و در گستره ی وسیع تری جوامع و کشورها بوده است که ادبیات مقاومت نمودی است بر این واقعیت. شعرای عراق به دلیل شرایط خاص حاکم بر عراق و سرزمین های عربی و اسلامی به وفور به ادبیات مقاومت پرداخته اند و با استفاده از سلاح کلمه، گزارشی هنری از پایداری و مقاومت در برابر ظلم و ستم ارائه داده اند. در این میان «یحیی سماوی» از جمله شاعران معاصر عراق است که با رژیم بعث حاکم بر جامعه ی عراق و اشغالگران آمریکا مخالف است و سلطه ی هیچکدام از آن ها را بر نمی تابد. او با سلاح توانمند شعر، اعتراض خود علیه استبداد و به خصوص استعمار را اعلام کرده و به مبارزه و ستیز با بیگانگان پرداخته است. پایان نامه ی حاضر بر آن است تا اشعار مقاومت در آثار یحیی سماوی بعد از اشغال عراق تاکنون (2003-2011م) را مورد بررسی قرار دهد؛ آمریکایی ستیزی، انتقاد از اوضاع جامعه ی عراق و... از جمله مفاهیم مقاومت و پایداری است که در آثار این شاعر کبیر معاصر عراق تجلی یافته است. شاعر با تبیین این

مفاهیم بر آن است فرهنگ مبارزه علیه مستکبران و استعمارگران را در دنیای عرب و به ویژه در عراق گسترش دهد تا از این رهگذر جهان را با مفهوم واقعی عدالت اجتماعی؛ سیاسی آشنا سازد.

کلمات کلیدی: عراق، یحیی سماوی، شعر عربی معاصر، مقاومت.

مقدمه:

مقاومت به معنای پایداری است و حرکتی جهت مقابله با ستم، تجاوز و اشغالگری میباشد. ادبیات مقاومت نیز ادبیاتی است متعهد که آیینی تمام نمای پایداری قهرمانانهی یک ملت در برابر ستم و اشغالگری است. ادبیات و جامعه ارتباطی مستقیم با یکدیگر دارند، گاه مسائل اجتماعی دست مایه و خمیر مایهی آفرینشهای ادبی است، و گاه آثار ادبی به نوبه ی خود در تحولات اجتماعی موثر هستند. انقلاب ها، ادبیات را از سیطره ی حاکمان مستبد و گروه اشرافی میرهاند و به میان جامعه میبرد و در مقابل، ادبیات صدای راستین انعکاس خواسته ها و مطالبات مردم و توده ها میگردد. این رابطهی دوسویه در ادب مقاومت، رنگ بیشتری به خود میگیرد، زیرا پایداری و ایستادگی یک ملت در برابر بیگانگان زمینهی پیدایش گونهای از ادبیات را تحت عنوان ادب مقاومت فراهم مینماید و ادب مقاومت نیز به نوبه ی خود در تهییج احساسات توده های مردم و سوق دادن آن ها به سوی ستم سوزی و بیگانه ستیزی نقش مؤثری ایفا میکند.

هرجا آگاهی از هویت فرد به اجتماع گراید و چارچوبی بگیرد و آزادی فردی به آزادی اجتماعی تفسیر شود ادبیات مقاومت در آنجا ریشه میدواند. ادبیات مقاومت قادر است فرهنگ مقاومت را در سراسر جهان به نمایش بگذارد و این فرهنگ را در سینهی جوانان آزادی خواه

جهان بکارد. شعر مقاومت یکی از مهمترین سنگرهای ادبی، فرهنگی و تاریخی ملت مبارز را تشکیل میدهد. ظهور این ادبیات به ویژه در قرن بیستم به علت سرعت بخشیده شدن به جریان های استعماری اهمیت بسیاری پیدا کرده است. در این میان ادبیات مقاومت، توانسته است با گذراندن مراحل رشد کمی و کیفی به جایگاه قابل قبولی در میان ادبیات معاصر عربی و حتی جهانی دست یابد.

قرن بیستم عراق را میتوان قرن بیداری فکری در عراق نامید، در این قرن شاعران بسیاری در اشعارشان به ظلم ستیزی پرداختند. مردم عراق سال ها تحت سلطهی حاکم مستبدی چون صدام حسین بودند و با ورود اشغالگران آمریکایی به عراق در (2003م) از ظلم حکومت بعث رهایی یافتند ولی به ظلمی دیگر از سوی متجاوزان آمریکایی افتادند که همهی این اتفاقات در عراق از شعر تاثیر پذیرفته و بر شعر تاثیر گذاشته است، چنانچه یحیی سماوی، که اشعار مقاومتش در این پایان نامه مورد بررسی قرار گرفته است، رژیم بعث را طاعون و آمریکایی ها را خود مرگ می نامد.

شاعران بسیاری در عصر بیداری فکری در عراق (قرن بیستم) همچون احمد صافی النجفی ، معروف الرصافی، محمد مهدی الجواهری، عبد الوهاب البیاتی، سعدی یوسف، بدر شاکر سیاب و ... ، در زمینهی ادبیات پایداری در عراق آثار فراوانی از خود بر جای گذاشته اند. هجوم نیروهای آمریکایی به خاک عراق در اوایل قرن بیست و یکم، تاثیر واضحی بر ادبیات این دوره از کشور عراق گذاشته است و با وجود نبودن فضای سیاسی مناسب برای چاپ آثار شاعران و فاصله زمانی اندکی که از اشغال عراق تا به امروز میگذرد و دلایلی دیگر مقالات و پژوهش های قابل توجهی ارائه شده است.

باره ای از مجموعه های شعری سماوی عبارتند از: عیناک دنیا (1970م)، قصائد فی زمن السبى و البكاء (1971)، قلبی علی وطنی (1992)، من أغانی المشرّد (1993)، جرح باتساع الوطن (1994)، الاختیار (1994)، عیناک لی وطن و منفی (1995)، رباعیات (1996)، هذه خیمتی... فأین الوطن (1997)، نقوش علی جذع النخلة (2008)، شاهدۀ قبر من رخام الکلمات

(2009)، زنايق البرية (2003)، قليلك... لا كثيرهن (2006)، لماذا تاخرت دهرا (2010)، مسيحة من خرز الكلمات (2008).

پایان نامه حاضر بر آن است مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی السماوی را بررسی کند تا با تحلیل این اشعار گامی برای ترویج فرهنگ مقاومت برداشته شود، برای نیل به این مقصود این پایان نامه در سه فصل تنظیم و تألیف شده است؛ در فصل اول به تحلیل اوضاع سیاسی - اجتماعی عراق پرداخته شده است. در فصل دوم شعر مقاومت معاصر عراق مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل سوم پس از اشاری کوتاهی به زندگی و ویژگی اشعار یحیی السماوی، مفاهیم مقاومت در اشعار او نظیر آمریکایی ستیزی، انتقاد از اوضاع جامعهی عراق،... مورد تحلیل قرار گرفته است.

لازم به توضیح است که در این پایان نامه بیشتر از مجموعه های شعری «نقوش علی جذع النخلة، مسيحة من خرز الكلمات، شاهدة قبر من رخام الكلمات، قليلك... لا كثيرهن» استفاده شده است. باشد که این پایان نامه إن شاء الله گامی برای پیشبرد اهداف اشعار مقاومت باشد.

تاریخ قدیم عراق

کشور عراق که در گذشته بین النهرین نامیده میشد، بیش از 9 قرن جزء سرزمین امپراتوری ایران محسوب میشده است. عراق سرزمینی است که از دیر باز مسیر گذر اقوام و ملل مختلف بوده است. عراق محل زندگی اقوام و ملت های قدیمی چون سریانی ها، کلدانی ها و آشوری ها

بوده و از قدیم محل زندگی نژادهای متنوعی نظیر عرب، کرد، فارس، ترک و نبطی... بوده

است. (زیدان، 1983: 326)

کشور عراق، بعد از تسلط عرب ها بر آن از اهمیت خاصی برخوردار شد و پس از خلفای راشدین، خلافت مسلمانان در اختیار معاویة بن ابوسفیان مؤسس سلسله امویان قرار گرفت و در جنگی که بین سیاه جامگان خراسان با امویان قرار گرفت مروان به سختی شکست خورد و با شکست او سلسله ی امویان منقرض گردید. بعد از انقراض امویان عباسیان بر سر کار آمدند. پس از دولت عباسی، 37 خلیفه بر آن حکومت کردند و نخستین خلیفه ی آن «عبدالله سفاح» و آخر خلفای آن دولت «المعتصم بالله» بود. بعد ایلخانیان، دولت جلاثری به قدرت رسیدند، بعد از آن که ایرانیان بر بغداد حمله برده و در سال 1623 م وارد این شهر شدند و تا سال 1640 م حکومت در دستشان باقی ماند. پس از ایرانیان حکومت به دست عثمانی ها افتاد تا اینکه در سال 1914 م شعله های جنگ جهانی اول در گرفت و دولت عثمانی نیز بر ضد متفقین وارد جنگ شدند. سپس نیروهای انگلیسی در بصره فرود آمدند، و بین آنان و سپاه عثمانی جنگ هایی در گرفت که در نهایت دولت عثمانی در سال 1917 م از این سرزمین خارج شده و این کشور تحت سیطره ی نیروهای اشغالگر انگلیس قرار گرفت. (هلالی، بی تا: 12-15)

در جریان جنگ جهانی اول، دولت های انگلیس، فرانسه و روسیه برای تقسیم متصرفات امپراتوری عثمانی مذاکراتی بین خود آغاز نمودند و در 16 مه 1916، دو دولت انگلستان و فرانسه با موافقت روسیه، طبق پیمان سایکس- پیکو¹ در مورد تقسیم آن متصرفات به توافق رسیدند. ارتش انگلیس در 11 مارس بغداد را اشغال نمود و با تصرف موصل موفق شد که

¹ - شرکت عثمانی در جنگ جهانی اول و آغاز شکست های این امپراتوری در جنگ، زمینه را برای تامین خواسته های شوم استعمارگران فراهم آورد و دولت های انگلستان و فرانسه، نمایندگان خود با نام های سرمارک سایکس و فرانسوا پیکو را مامور این کار کردند. امضای پیمان استعماری معروف به قرارداد سایکس - پیکو پس از جنگ جهانی اول شرایط سیاسی منطقه را برای تفکیک اراضی خاورمیانه و تجزیه مستملکات آسیایی امپراتوری عثمانی فراهم آورد. به موجب این قرارداد که نوعی تبانی استعماری و توسعه طلبانه متفقین به شمار می رفت، دولت های انگلیس، فرانسه و روسیه، کشورهای عربی را که جزو قلمرو عثمانی بودند، میان خود تقسیم کردند. به این ترتیب، عراق و اردن، تحت کنترل انگلیس و سوریه و لبنان زیر سلطه فرانسه درآمدند.

نیروهای عثمانی را از بین النهرین بیرون نماید. پس از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول (1918م) متصرفات آن به طور کلی از آن امپراتوری جدا گردید و دولت های انگلستان و فرانسه که فاتحان جنگ بودند در اجرای اصل اساسی سیاست استعماری مبنی بر تجزیه‌ی کشورهای بزرگ، متصرفات عثمانی را در شرق مدیترانه به چندین کشور کوچک تقسیم نمودند تا آسان تر بتوانند منابع آن ها را غارت کنند و از موقعیت استراتژیک آن ها به راحتی بهره برداری نمایند. بدین ترتیب، کشورهای نوپدید عراق، فلسطین، اردن و سوریه تشکیل یافت.

(پارسادوست، 1369: 29-31)

حزب بعث و عراق

در عراق سه نیروی عمده وجود دارد که هر دولتی بر سر کار آید ناچار با آن ها روبه رو خواهد بود. این سه نیرو که هر یک به تنهایی در سرنوشت کشور عراق و دولت های آن به نحوی موثر هستند کردها، کمونیست ها و شیعیان میباشند. کردها اصولاً میل ندارند زیر تابعیت عرب باشند و مبارزات آنان برای کسب خود مختاری صفحات زیادی از تاریخ جدید عراق را به خود اختصاص داده است. کردها حتی پس از اعلامیه‌ی 11 مارس 1970 که دولت بعثی عراق وجود «ملت کرد» و خود مختاری آنان را به رسمیت شناخت باز به جنگ خود با آن دولت ادامه دادند.

شیعیان به علت اینکه اکثریت جمعیت عراق را تشکیل میدهند و آرامگاه امامان شیعه در عراق قرار دارد و هر سال هزاران نفر از شیعیان ایران و سایر کشورهای اسلامی به قصد زیارت وارد عراق میشوند دارای موقعیت اجتماعی مهمی هستند ولی فاقد قدرت سیاسی میباشند. شیعیان عراق به جهات گوناگون، از شرایط خود ناراضی هستند و عدم رضایت خود را بارها به صورت اعتراض و حتی ایجاد آشوب و تظاهرات ابراز داشته‌اند.

شیعیان عراق، اعم از عرب یا غیر آن، چون نمیخواهند اکثریت خود را در جمعیت عراق از دست بدهند از اندیشه وحدت عرب (پان عربسیم) پشتیبانی نمیکنند و به کشور خود، عراق، بیشتر توجه دارند. شیعیان بطور کلی با ایدئولوژی حزب بعث موافق نیستند.

کمونیست ها عموماً فعالیت زیر زمینی داشتهاند و با دولت های عراق، به استثنای دوره‌ی کوتاه «عبدالکریم قاسم» همیشه مخالف بودهاند. حزب بعث عراق و کمونیست ها نیز اغلب با هم دشمنی کینه توزانه داشتهاند و هزاران نفر از اعضاء یکدیگر را کشتهاند. این دو حزب چون هر دو خود را سوسیالیست میدانند و هر دو میکوشند که کارگران، دهقانان و به طور کلی زحمتکشان عراق را به حزب خود جلب نمایند پیوسته با یکدیگر در رقابت شدید هستند و چون حزب بعث از همان شیوه ها و رشوههایی که حزب کمونیست در امور تشکیلاتی و تبلیغاتی به کار میبرد، استفاده می کند به همین جهت حزب کمونیست قادر نشده است که حزب بعث را با وجود آنکه در بعضی مواقع به علت اختلافات درون حزبی دچار ضعف آشکار شده است پشت سر بگذارد و از آن پیشیگیرد. حزب بعث از یک حربه موثر در جامعه عراق برخوردار است که حزب کمونیست فاقد آن است. حزب بعث مدعی است که اندیشه های خود را از درون جامعه عرب الهام گرفته است و با تکیه بر شعار وحدت عرب در راه تحقق آرزوهای عرب گام بر میدارد. (همان: 113-114)

بیشتر پژوهشگران و محققان بر این باورند که حزب بعث اولین بار در سوریه پایه ریزی شد و بعد به کشورهای اردن، لبنان و عراق گسترش یافت. «زکراسوزی» فارغ التحصیل رشته‌ی فلسفه از دانشگاه سوربن فرانسه، «میشل عفلق» مسیحی ارتدکس 34 ساله و «صلاح الدین بیطار» مسلمان 32 ساله، اولین کسانی بودند که اندیشه های حزب بعث را ترویج دادند. اما از میان این سه نفر میشل عفلق فارغ التحصیل رشته‌ی تاریخ از دانشگاه سوربن فرانسه، به عنوان بنیانگذار حزب بعث در جامعه عرب شهرت دارد. (ناظمیان، 1381: 145)

عفلق و بیطار پس از رفتن فرانسوی ها از سوریه در سال 1946م، تقاضا نامه ی خود را تسلیم دولت نمودند که پذیرفته شد و از این پس، حزب شکل رسمی یافت و صاحب نشریه ای به نام «البعث» شد و شعارهای خود را اینگونه اعلام کرد:

- 1- وحدت ملت های عربی؛ حزب بعث با وجود اینکه چندین سال در عراق حکومت کرد تا الآن نیز در سوریه و اردن به حیات خود ادامه میدهد و هیچ گاه نتوانست به این امر دست یابد.
- 2- آزادی از دست بیگانگان و استبداد؛ یکی از اقدامات حزب، در این زمینه تأسیس مجلس بود که آن مجلس حالت تشریفاتی داشت و همه چیز توسط چند نفر اداره میشد. حزب، آن آزادی را ایجاد کرد که در آن صدام حسین نزدیک به چهل سال حکومت کرد و در سوریه حافظ آسد تا پایان عمر حکومت کرده و بعد از او پسرش بشار آسد به حکومت رسید.
- 3- سوسیالیست؛ حزب در این باره که هدف، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی بود، نتوانست و یا نخواست کاری از پیش برد و منابع و صنایع اقتصادی در دست دیکتاتورها افتاد. (حمدانی، 2007: 7-8)

صدام حسین از خانوادگی تکریتی ها بود او وارد حزب بعث شد و اولین بار در جریان ترور ناموفق «عبدالکریم قاسم» در سال 1959، شناخته شد و پس از آن به سوریه فرار کرد و از آنجا به قاهره رفت و تا کودتای سال 1959م، در آنجا ماند. (همان: 71-72)

پس از فراز و نشیب های بسیار در این سال ها در ژوئیه 1968م، با کودتای افسران بعثی، «عبدالرحمن عارف» سرنگون شد و ژنرال «حسن بکر» به ریاست جمهوری رسید و «عبدالرزاق نایف» به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. در سی ژوئیه همان سال طی یک کودتای دیگر، توسط حزب بعث، عبدالرزاق از نخست وزیری برکنار شد و حسن بکر علاوه بر ریاست جمهوری، منصب نخست وزیری را بر عهده گرفت. پس از این اتفاقات، در نوامبر 1971م، صدام حسین پست معاونت ریاست جمهوری و نخست وزیری را احراز کرد و در طول تصدی این سمت جنایت های بیشماری را مرتکب شد. (ناظمیان، 1381: 60)

عراق در گذر از تیغ استعمار

موضوع «استعمار و استعمارگران» بحثی است که هرگز غبار کهنگی نمیگیرد، چرا که استعمار، هر روز با چهره ای جدید و ترفندی نو، به میدان می آید. هنگامی که کلمهی استعمار را در آینه ی لغت نامه ملاحظه میکنیم، شاید آنرا زیباترین واژه ای بدانیم که بشر وضع کرده است و آن به این معناست که، ملتی از روی بشر دوستی و لطف و بزرگواری - بدون هیچ چشم داشتی - به

سرزمین ملتی دیگر قدم مینهد و با نهایت تلاش به آبادانی آن میپردازد. زمانی که این کلمه را در آینه ی واقعیت و در بستر تاریخ و زمان و جهان خارج، ملاحظه میکنیم، به یقین زشت ترین و پلیدترین کلمه ای است که، تاکنون بشر به آن دست یافته است. حکمت زیر از حضرت علی (ع) به خوبی به این امر اشاره می کند:

(يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ)¹ (نهج البلاغه / حکمت 341)

کشور عراق در طول تاریخ ستم های فراوان به خود دیده و بارها از زیر تیغ استعمار گذر کرده است. در ادامه بحث بر آنیم تا به تعداد دفعات حضور استعمار در عراق از سال های جنگ جهانی اول بپردازیم:

1914- با آغاز جنگ جهانی اول ژنرال مود (Moud) افسر انگلیسی به بصره و عشایر این شهر حمله کرده و اقدام به پیاده کردن نیرو در جنوب عراق نمود. به دنبال این اقدام علمای مذهبی فتوای جهاد دادند و مردم را به مقابله و مبارزه علیه استعمار انگلیس تشویق کردند. در 1916 - (16 مه) عقد قرارداد «سایکس پیکو» بین فرانسه و انگلیس که طبق آن سوریه به فرانسه، و عراق و فلسطین به انگلیس منعقد گردید.

در 1916- (ژوئن) دولت انگلیس برای فرو نشاندن قیام مسلمانان عراق به «فیصل» فرزند شریف حسین، پادشاه حجاز وعده داد که اگر به کمک انگلیس ها عثمانی ها را از سرزمین های عربی اخراج کند او را به فرمانروایی سوریه و عراق منصوب خواهد نمود. از جانب دیگر پدر او یعنی «شریف حسین» را نیز فریب داد و ضمن آنکه وعده پادشاهی اردن را به پسر دیگرش عبدالله داد، خود او را در رؤیای خلافت مسلمانان فرو برد. انگلیس برای رسیدن به اهداف خود، «لورنس» جاسوس خود را مأمور حجاز کرد تا «فیصل» را آماده کارزار با عثمانی کند و 5 ژوئن فیصل به همراه «ژنرال آلبنی» و «سرهنگ لورنس» با قوای عثمانی جنگید. فرزندان شریف حسین این اقدام خود را انقلاب عربی نام نهادند اما غافل از آن بودند که فرانسه و انگلیس با هم توافق کرده اند که پس از خروج عثمانی، سرزمین های عربی را تحت سرپرستی خود نگه دارند.

¹ - روز داوری بر ستمگر، از روز ستم بر ستمدیده دشوارتر است.

در 1917- (11 مارس) بغداد توسط نیروهای انگلیس اشغال شد.

در 1918- امیر فیصل فاتحانه وارد دمشق شد و در 18 مارس 1950 خود را پادشاه سوریه خواند.

در 1920- (24 آوریل) بر طبق عهدنامه «سان رمو» که درباره وضع قیمومت کشورهای عربی تشکیل شد، سوریه سهم فرانسه، عراق و فلسطین نصیب انگلستان شد.

قیمومت انگلستان بر عراق و فلسطین به گونه ای بود که به موجب آن دولت قیم مأمور بود به طور موقت اداره امور کشور را عهده دار شود و سپس آن را برای احراز استقلال، کاملاً آزاد بگذارد. از این روی دولت انگلیس «سرپرستی کاکس» را به عنوان سرپرست عراق به بغداد فرستاد.

در 1920 (ژوئیه) مردم مسلمان عراق در مخالفت با حاکمیت «کاکس» بر این کشور قیام نمودند و علمای عراق به رهبری آیت الله محمد تقی شیرازی بر ضد انگلیس ها اعلام جهاد کردند که و طی نبردی 2500 سرباز انگلیس کشته شد و از آنجا که این انقلاب در سال 1920 واقع شد به ثوره العشرین (انقلاب بسیت) معروف شد. (ناظمیان، 1381: 32-33)

جنگ های خلیج فارس

خلیج فارس در دو دهه پایانی قرن بیستم و همچنین در سال های اولیه قرن بیست و یکم، سه جنگ پی در پی را به خود دید که کشور عراق یکی از طرفین ثابت این سه جنگ بود و آمریکا نیز به عنوان یک ابر قدرت مسلط جهانی، نقش عمده ای در سرنوشت هر یک از این جنگ ها ایفا کرد.

اولین جنگ در سال 1980 بین عراق و ایران در گرفت. این جنگ توسط عراق شروع شد، هشت سال به طول انجامید و بدون آنکه رهبران عراق به اهداف خود از تحمیل جنگ به ایران، دست یابند، در سال 1988 به پایان رسید. دومین جنگ در سال 1991 بین عراق و آمریکا در گرفت. این جنگ به دنبال اشغال کویت توسط عراق و ادعای غرامت از این کشور و نیز ادعای مالکیت بر سرزمین آن، آغاز شد که با حمله آمریکا و متحدینش به عراق و آزاد سازی کویت و نهایتاً شکست عراق، پایان یافت.

سومین جنگ در سال 2003 بین آمریکا و عراق در گرفت. این جنگ به بهانه تلاش عراق برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی و ممانعت رهبران این کشور در انجام بازرسی های بین المللی، با حمله آمریکا و متحدینش به این کشور آغاز شد و روند جنگ به سرعت به نفع مهاجمان پیش رفت و نهایتاً با سقوط رژیم بعثی صدام حسین و متواری شدن مقامات آن کشور به پایان رسید. هر یک از این جنگ ها در برهه های زمانی خود تحت تأثیر شرایط سیاسی بین المللی و منطقه ای، اهداف، دلایل و ابعاد نظامی خاص خود بوده اند. به راستی که بحرانی ترین منطقه جهان در نیمه دوم قرن بیستم، خلیج فارس بوده است.

در جنگ های مذکور عامل بی ثباتی، بروز جنگ، خشونت، ویرانی و آوارگی در منطقه خلیج فارس اولاً صدام حسین دیکتاتور عراق و ثانیاً آمریکا به عنوان ابرقدرت مداخله گر در منطقه بوده اند. یکی از اهداف بررسی جنگ های خلیج فارس در این بخش بررسی سیاست ها و راهبردهای آمریکا در منطقه ذکر شده طی سال های (2003-1980م) می باشد.

جنگ های خلیج فارس:

الف) جنگ عراق علیه ایران (جنگ اول خلیج فارس)

31 شهریور ماه 1359 (21 سپتامبر 1980) در زمره های روزهای فراموش ناشدنی تاریخ

معاصر ایران به شمار میرود. در این روز با بمباران هوایی فرودگاه ها و شهرهای مهم ایران توسط هواپیماهای عراقی و سپس تهاجم گسترده نیروهای زمینی این کشور به قلمرو ایران در طول مرز مشترک دو کشور، تجاوز نظامی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. دولت عراق پس از اقدام به جنگ، در سراسر دوران جنگ که قریب به 8 سال ادامه یافت و پس از آن، همواره کوشید تجاوز نظامی خود را با توسل به یک رشته بهانه ها موجه جلوه دهد.

نکته قابل تأمل در زمینه بررسی سابقه اختلافات ایران و عثمانی و سپس ایران و عراق، ایفای نقش مداخله جویانه قدرت های خارجی در دامن زدن به این اختلافات و درگیری های بعدی بوده است. یک نمونه از این دست، ماجرای تحریک والی بغداد توسط انگلیس ها برای حمله به خرمشهر به سال 1253 هـ ق است که بلافاصله از سوی سلطان عثمانی مورد مواخذه

واقع شد و سلطان ضمن تصریح حاکمیت ایران بر خرمشهر از علیرضا پاشا والی بغداد خواست تا فی الفور خاک ایران را ترک نماید. (ولایتی، 1376: 1-3)

اساس اختلاف مرزی ایران و عراق و مشکلات فعلی دو کشور ریشه در دوران گذشته دارد که اراضی عراق کنونی، بخشی از امپراتوری عثمانی بود. از قرن دهم (پانزدهم میلادی) جنگ های خونین بین دو کشور آغاز شد که تا قرن سیزدهم قمری (هجدهم میلادی) ادامه داشت. این جنگ ها همواره موجب تغییراتی در مرزهای دو کشور میشد. و گاه نیز به برقراری یک صلح موقت بین طرفین میانجامید. (همان: 15)

زمینهی پیدایش و وقوع تجاوز عراق به ایران را تحت سه محور عمده زیر، میتوان بررسی کرد:

- 1- اهداف سیاسی و استراتژیک آمریکا در منطقی خلیج فارس پس از پیروزی انقلاب اسلامی.
 - 2- اهداف و مقاصد رژیم عراق در زمینهی کسب موقعیت برتر در میان کشورهای منطقه.
 - 3- موضعگیری کشورهای عربی حوزهی خلیج فارس در رابطه با عراق و ایران.
- (اسلامی، 1369: 236)

اهداف و انگیزه های آغاز جنگ اول خلیج فارس

- انگیزه ها و اهداف آغاز جنگ عبارت بود از: 1- استقرار حاکمیت مطلق بر اروندرود، 2- تصرف قسمتی از اراضی ایران در جبههی مرکزی و تجزیهی استان خوزستان که اهداف ارضی و فوری عراق بودند. علاوه بر این، از اهداف دیگر عراق مواردی چون سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران، عهده دار شدن ژاندارمی منطقه و رهبری جهان عرب بود کوشش برای تحقق دعاوی همچون تغییر حاکمیت جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) در همین چارچوب معنی پیدا میکند. (شیرزادی، 1386: 128)

کمک های نظامی کشورهای مختلف به عراق را طی جنگ با ایران، در موارد زیر میتوان

خلاصه کرد:

- 1- چندین ماه پس از آغاز جنگ، پس از آنکه آشکار شد عراق توان پیش روی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ماه 1359 اقدام به فروش هواپیماهای میراژ به عراق کرد. همچنین پس